

Shared Responsibility and Jurisdiction in the Case Law of the European Court of Human Rights

*Saeed Mokhtari**
*Mohamad Setayeshpur***

DOI: 10.22096/hr.2025.2055472.1729

Received Date: 09/03/2025 - Accepted Date: 03/09/2025

Abstract

The issue of shared responsibility arises before international courts when several international actors play a role in violating international obligations. However, determining the jurisdiction in these cases requires that those courts pay careful attention to points such as the jurisdiction in the territory where the violation occurred or the control of the wrongdoer state over the territory or the injured parties. The method used in this research is the method of doctrinal legal research using the cases of the European Court of Human Rights and international legal documents. This study has examined the various aspects of determining jurisdiction in the context of shared responsibility and has concluded that in many cases, the Court has adopted the traditional approach of territorial jurisdiction as the principle, but has not limited itself to it, and by determining criteria such as "effective control" and "effective authority", it has expanded the scope of its jurisdiction to include extraterritorial violations of human rights. On the other hand, the Court has examined and accepted the issue of its jurisdiction over injured persons who were under the effective control of a state using the same criterion. Ultimately, this study has concluded that the Court's practice in this regard is dynamic and evolving.

Keywords: European Court of Human Rights; case law; jurisdiction; effective control; shared responsibility.

* PhD Candidate, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author)
Email: hofarigon@gmail.com

** Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.
Email: mohamadsetayeshpur@yahoo.com



رابطه مسئولیت مشترک و صلاحیت در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

* سعید مختاری

** محمد ستایش پور

DOI: 10.22096/hr.2025.2055472.1729

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲]

چکیده

طرح موضوع مسئولیت مشترک نزد محاکم بین‌المللی زمانی روی می‌دهد که چند بازیگر بین‌المللی در نقض تعهدات بین‌المللی، نقش ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، تعیین صلاحیت رسیدگی قضایی در این موارد، نیازمند توجه ظریف آن محاکم به نکاتی چون صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده در سرزمین وقوع تخلف یا کنترل دولت متخلف نسبت به قلمرو سرزمینی یا افراد زیان‌دیده است. روش به‌کاررفته در این جستار، روش تحقیق حقوقی توصیفی-تحلیلی با استفاده از پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر و اسناد حقوقی بین‌المللی است. این مطالعه به چندوجهی تعیین صلاحیت در محل طرح مسئولیت مشترک، پرداخت و به این نتیجه رسید که دیوان در بسیاری از پرونده‌ها رویکرد سنتی سرزمینی بودن صلاحیت را اصل قرار می‌دهد، ولی به آن اکتفا نمی‌کند و با تعیین معیارهایی چون «کنترل مؤثر» و «اقتدار مؤثر»، دامنه صلاحیت خود را به تقاضای فراسرزمینی حقوق بشر گسترش می‌دهد. از سویی دیگر، دیوان با همین معیار، موضوع صلاحیت رسیدگی قضایی خود را در خصوص افراد زیان‌دیده‌ای که تحت کنترل مؤثر دولت قرار داشته‌اند، مورد مذاقه قرار داد و آن را پذیرفت. نهایتاً این جستار به این نتیجه رسید که رویه دیوان در این خصوص، پویا و در حال تحول است.

واژگان کلیدی: دیوان اروپایی حقوق بشر؛ رویه قضایی؛ صلاحیت؛ کنترل مؤثر؛ مسئولیت مشترک.

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: hofarigon@gmail.com

** دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: mohamadsetayeshpur@yahoo.com



۱. مقدمه

رابطه بین مسئولیت مشترک و صلاحیت قضایی در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر (از این به بعد دیوان) حوزه‌ای پیچیده و در حال تحول از تحقیقات، مطالعات و رویه‌های حقوقی است که در نقطه تلاقی نظام بین‌المللی حقوق بشر، حاکمیت دولت و مناسبات فراملی قرار دارد. مسئولیت مشترک به توزیع پاسخگویی بین چندین بازیگر - اعم از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی یا نهادهای غیردولتی - در خصوص نقض حقوق و تعهدات بین‌المللی آنها اشاره می‌کند؛ در حالی که قواعد مربوط به صلاحیت قضایی، قابلیت و ظرفیت حقوقی دیوان را برای رسیدگی به پرونده‌های مربوط به این بازیگران مشخص می‌کند. تأثیر و تأثر متقابل بین این مفاهیم برای درک اینکه چگونه دیوان، مشکل‌های اجرای استانداردهای حقوق بشری را در نظم حقوقی چندلایه و پراکنده هدایت می‌کند، اهمیت حیاتی دارد.

اهمیت این موضوع در کاربردها و پیامدهای آن برای حفاظت و حمایت از حقوق بشر در جهان کنونی است که مناسبات آن به‌طور روزافزونی به‌هم‌پیوسته و درهم‌تنیده است. از آنجایی که دولت‌ها و بازیگران غیردولتی در زمینه‌هایی مانند کنترل مهاجرت، فعالیت‌های ضد تروریسم و عملیات نظامی با یکدیگر همکاری می‌کنند، پرسش‌هایی به وجود می‌آید در مورد اینکه چه کسی مسئولیت نقض تعهدات حقوق بشری را که در آن سوی مرزها یا در چهارچوب‌های عملیاتی مشترک رخ می‌دهد به عهده دارد (تحقق مسئولیت) و پیامدهای تحقق آن چیست (توزیع مسئولیت). رویه قضایی دیوان به میدان مبارزه مهم برای پاسخ این سؤالات تبدیل شده است و خطوط اصلی پاسخگویی را در زمینه‌های فراملی شکل می‌دهد. این امر به‌ویژه با توجه به نفوذ فزاینده سازمان‌های بین‌المللی و خصوصی‌سازی عملکردهای سنتی دولتی که مفاهیم سنتی صلاحیت و مسئولیت را پیچیده می‌کند، حساسیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

چهارچوب‌های نظری کلیدی که در این مقاله مطرح می‌شود، شامل اصول مسئولیت دولت براساس حقوق بین‌الملل است که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت در مورد عمل متخلفانه بین‌المللی، (از این به بعد مواد ۲۰۰۱) بیان شده است و نیز دکترین صلاحیت فراسرزمینی (Extraterritorial jurisdiction) که تعهدات حقوق بشر دولت را فراتر از مرزهای سرزمینی آن گسترش می‌دهد. اندیشمندانی مانند بساک چالی (Basak Cali) بر نقش دیوان در توسعه رویکردی «کارکردگرا» (Functional approach) به صلاحیت تأکید کرده‌اند که بر کنترل مؤثر

اعمال شده توسط دولت بر افراد یا سرزمین‌ها تمرکز دارد؛ نه بر سرزمین‌گرایی محض. این رویکرد در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به عملیات نظامی، بازداشتگاه‌ها و اقدامات کنترل مرزی مؤثر بوده است.^۱

از نظر تاریخی، پایه‌های مسئولیت مشترک و صلاحیت قضایی در رویه قضایی دیوان را می‌توان در دوران پس از جنگ جهانی دوم جست‌وجو کرد؛ زمانی که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲ (از این به بعد کنوانسیون) در سال ۱۹۵۰ برای جلوگیری از تکرار جنایات حقوق بشری تنظیم شد. چهارچوب قضایی کنوانسیون که در ابتدا ریشه در حاکمیت سرزمینی داشت برای پرداختن به واقعیت‌های جهانی شدن و مناسبات حکمرانی فراملی تکامل یافته است. رویدادهای تاریخی کلیدی، مانند پایان جنگ سرد و گسترش شورای اروپا و همچنین مشارکت فزاینده سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا و ناتو (North Atlantic Treaty Organization (NATO)) در فعالیت‌های مرتبط با حقوق بشر، رویکرد دیوان به این موضوعات را بیشتر شکل داده است.

با وجود این برخی موانع رویه‌ای برای استناد به مسئولیت‌های پرشمار دولت‌ها به‌ویژه مسئولیت اشتقاقی آنها (که نوعی از مسئولیت مشترک است) در مقابل دیوان وجود دارد. آستانه‌های پذیرش مندرج در کنوانسیون از پذیرش دادخواست‌هایی جلوگیری می‌کند که فاقد ارتباط واقعی بین دولت و فرد (صلاحیت قضایی) یا رابطه واقعی بین تخلف ادعایی و خسارات متحمل شده (زیان‌دیده) هستند. اگر نتوان ثابت کرد که شاکی در محدوده صلاحیت یک دولت خوانده قرار دارد، دولت هیچ تعهدی در قبال آن فرد در زمینه حقوق بشر ندارد؛ بنابراین دیوان شکایت را ناسازگار با مفاد کنوانسیون و به همین دلیل غیرقابل‌پذیرش اعلام خواهد کرد.^۳ علاوه بر این، «قاعده اطراف اصلی دعوا» (Indispensable Parties Rule) ممکن است همچنان با ماهیت دادخواست‌هایی که شامل تعهدات قانونی دولت‌های غیرمتعاهد می‌شوند و مسئولیت دولت اصلی از آنها مشتق می‌شود، مرتبط باشد.^۴ اکنون باید

1. Basak Çalı, "Coping with Crisis: Whither the Variable Geometry in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights," *Wisconsin International Law Journal* 25, no. 3 (2007): 571–603.

2. The European Convention on Human Rights (ECHR; formally the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms).

3. *Banković v. Belgium and Others*, Application No. 52207/99, European Court of Human Rights, Grand Chamber Decision on Admissibility, 12 December 2001, para. 85.

4. Amsterdam Center for International Law (ACIL), SHARES Research Paper 06 (2012), ACIL

دید مبنای اصلی دیوان برای تعیین صلاحیتش در رسیدگی به پرونده‌های مطروحه نزد وی چیست و این صلاحیت از کدام سند بین‌المللی و بر چه مبنایی اخذ می‌شود.

مطالعات موردی مهم، رویه قضایی در حال تحول دیوان در مورد مسئولیت مشترک و صلاحیت را نشان می‌دهد. برای مثال در قضیه «بانکوویچ علیه بلژیک و دیگران» (۲۰۰۱) (Banković v. Belgium and Others (2001))، دیوان با موضوع بغرنج اعمال فراسرزمینی کنوانسیون در زمینه بمباران بلگراد (Belgrade (the capital city of Serbia)) توسط ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) دست و پنجه نرم کرد و در نهایت حکم داد که کنوانسیون در این مورد به‌طور فراسرزمینی اعمال نمی‌شود. با این حال، پرونده‌های بعدی مانند «السکینی علیه بریتانیا» (Al-Skeini and Others v. United Kingdom (2011)) و «هیرسی جاما علیه ایتالیا» (Hirsi Jamaa and Others v. Italy (2012)) دامنه صلاحیت را گسترش دادند و بر اهمیت کنترل مؤثر و پیشگیری از نقض حقوق بشر تأکید کردند. در قضیه «السکینی»، نظر دیوان این بود که صلاحیت بریتانیا شامل افرادی می‌شود که توسط نیروهای بریتانیایی در عراق بازداشت شده‌اند و به‌وضوح اظهار کرد که «کنوانسیون می‌تواند در مورد اعمال یک دولت که در خارج از قلمرو آن انجام می‌شود و تأثیراتی در آن قلمرو ایجاد می‌کند اعمال شود». ^۵ به‌طور مشابه در قضیه «هیرسی جاما» دیوان، ایتالیا را مسئول رهگیری و بازگرداندن مهاجران به لیبی دانست و بر اصل عدم بازگرداندن و فراسرزمینی بودن تعهدات حقوق بشری تأکید کرد.^۶

این قضایا در میان پرونده‌های دیگر، نقش دیوان را در ایجاد توازن بین اصول مسئولیت مشترک و صلاحیت قضایی به شیوه‌ای که از یکپارچگی کنوانسیون حمایت نماید و در عین حال با پیچیدگی‌های حکمرانی نوین سازگار باشد، برجسته می‌کند. از آنجایی که دیوان همچنان به چالش‌های جدید، مانند نقش بازیگران خصوصی در نقض حقوق بشر و تأثیر نظارت دیجیتالی ادامه می‌دهد، رویه قضایی آن در جایگاه نقطه مرجع حیاتی برای محققان و متخصصان باقی خواهد ماند. جستار حاضر به دنبال بررسی عمیق این پویایی‌ها با تکیه بر

2012-04. Amsterdam: SHARES Project, last modified match 16, 2025, <http://www.sharesproject.nl/publication/shared-responsibility-in-international-law-a-concept-paper>.

5. Al-Skeini and Others v. United Kingdom, Application no. 55721/07, European Court of Human Rights, Judgment of 7 July 2011, para. 131.

6. European Court of Human Rights. Hirsi Jamaa and Others v. Italy, Application no. 27765/09. Judgment of 23 February 2012, para. 122.

منابع اولیه، رویه قضایی و تفسیرهای علمی است تا تحلیلی جامع از رابطه بین مسئولیت مشترک و صلاحیت قضایی در رویه قضایی دیوان ارائه دهد. هدف از این کار آن است که با استفاده از تجزیه و تحلیل قضایا و رویه‌های برجسته و بحث‌های علمی، درک جامعی از نحوه رویکرد جامعه حقوقی بین‌المللی به‌ویژه دیوان اروپایی حقوق بشر به بررسی صلاحیت خود در پرداختن به قضایای محتوی مفهوم مسئولیت مشترک ارائه دهد. برای این منظور ابتدا محدوده طرح دعوی حقوق بشری در دیوان که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ذیل ماده ۱ معین شده، مورد بررسی قرار گرفته و محدودیت‌های آن برای اجرا و تضمین حق‌های بشری برشمرده شده است؛ سپس به توسعه صلاحیت در رویه دیوان می‌پردازد؛ به‌خصوص رابطه آن با مسئولیت مشترک که می‌تواند سبب به میان کشیده شدن پای بازیگران دیگری در دعوی باشد که به‌صورت عادی در محدوده صلاحیتی که کنوانسیون تعریف کرده است، قرار نمی‌گیرند. مثلاً فرض کنید دولتی اروپایی به یکی از اشکال مسئولیت اشتقاقی، تحت «اجبار» یا «کمک و مساعدت» یا «هدایت و کنترل» دولت غیراروپایی مرتکب نقض حق بشری شده باشد؛^۷ از این رو بحث توسعه صلاحیت و معیار دیوان برای آن در این مورد مطرح خواهد بود. در مرحله بعد به موضوع اعمال معیار مورد عمل دیوان در خصوص زیان وارده بر افراد و فرا رفتن دیوان از صلاحیت سرزمینی به سوی صلاحیت فراسرزمینی به جهت اهمیت اجرا و تضمین حق‌های بشری پرداخته و نتیجه نهایی تحویل شده است.

۲. ماده ۱ کنوانسیون و محدودیت‌های صلاحیت سرزمینی

ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دولت‌ها را موظف می‌کند که حقوق و آزادی‌های مندرج در این کنوانسیون را برای هر کس در صلاحیت خود تضمین کنند. دیوان اروپایی حقوق بشر به‌طور پیوسته صلاحیت را عمدتاً به شکل سرزمینی تفسیر کرده است که منعکس‌کننده درک سنتی از حاکمیت دولت است.^۸ با این حال، دیوان همچنین صلاحیت فراسرزمینی را در شرایط خاص به رسمیت شناخته است؛^۹ به‌ویژه هنگامی که دولتی کنترل یا اقتداری را فراتر از مرزهای خود اعمال می‌کند. این تفسیر موقتی از صلاحیت برای درک مفهوم مسئولیت مشترک حیاتی است، زیرا تعیین‌کننده آن است که چه زمانی و چگونه،

۷. محمد ستایش پور و مهدی حدادی، «کنکاش در لزوم وجود نهاد (مسئولیت اشتقاقی) در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، شماره ۳ (مهر ۱۳۹۶): ۷۷۵، <https://doi.org/10.22059/jplsq.2017.225499.1449>

8. Hirsi Jamaa and Others v. Italy, para. 122

9. Hirsi Jamaa and Others v. Italy, para. 122.

چندین دولت ممکن است برای مسئولیت مشترکی که در تخریب بین‌المللی دارند در قبال نقض حقوق بشر پاسخگو باشند. مفهوم مخالف رویکرد اصلی دیوان در قبال شرط صلاحیت این است که کشورها فقط به‌طور استثنایی موظف به تضمین حقوق بشر در خارج از قلمرو سرزمینی خود هستند.^{۱۰}

اگرچه تهیه‌کنندگان کنوانسیون در تعریف محدوده تعهدات یک دولت به موجب کنوانسیون به‌صراحت به جای قلمرو (Territory) یا تابعیت، اصطلاح ملایم‌تر صلاحیت را انتخاب کردند (عنوان صلاحیت عام‌تر از قلمرو و تابعیت است که در حقوق بین‌الملل تعریف دقیق و خدشه‌ناپذیر دارند و در عوض اصطلاح صلاحیت جای بیشتری برای تفسیر باز می‌گذارد)، دیوان در رویه خود طوری عمل کرده است که حتی اگر مفاهیم قلمرو و صلاحیت نیاز نباشد که همیشه با هم آورده شوند، واژه صلاحیت معنای اساساً سرزمینی آن را در حقوق بین‌الملل عمومی منعکس و بنابراین نوعی محدودیت سرزمینی برای دسترسی افراد به حقوق کنوانسیون تعیین می‌کند. از آنجا که فرد زیان‌دیده در بیشتر موارد در یک دولت مستقر است، بنابراین شرایط صلاحیت ممکن است مانعی برای رسیدن به مسئولیت‌های زیاد یا مشترک باشد.^{۱۱} در مسئولیت‌های متعدد، یک رفتار به دلیل نقض تعهدات متفاوت به دو یا چند دولت، نسبت داده می‌شود. برای مثال در وضعیت‌هایی که دولت در رابطه با رفتار متخلفانه دولت دیگری که در قلمرو دولت اول اتفاق افتاده است، منفعل باشد. در این حالت، ممکن است هر دو دولت مسئولیت داشته باشند، اما این مسئولیت‌ها از دو سرچشمه متفاوت یعنی دو نقض تعهد مختلف جاری می‌شود. این گزاره در حکم دیوان در پرونده «دروژ و ژانوسک علیه فرانسه و اسپانیا»^{۱۲} نیز تأیید می‌شود. اگرچه دیوان این استدلال را رد کرد که فرانسه و اسپانیا وظیفه کلی برای تضمین رعایت استانداردهای کنوانسیون در آندورا دارند، اما کشورهای متعاقد را موظف به امتناع از همکاری با آندورا در صورتی که محکومیت در نتیجه نقض آشکار عدالت باشد دانست؛ همچنین بررسی کرد که آیا فرانسه یا اسپانیا مستقیماً در محاکمه‌خواهان‌ها مداخله کرده‌اند یا خیر.^{۱۳} در مسئولیت مشترک، دولت‌ها در واقع هماهنگ عمل می‌کنند. برای مثال، رفتار ارگان مشترک را فقط می‌توان عمل هر یک از دولت‌هایی

10. Hirsi Jamaa and Others v. Italy, para. 122.

11. Hirsi Jamaa and Others v. Italy, para. 122.

12. Drozd and Janousek v. France and Spain.

13. European Court of Human Rights. Drozd and Janousek v. France and Spain, Application no. 12747/87, Judgment of 26 June 1992, paras. 96, 110.

دانست که ارگان مزبور مشترک میان آنها است. اگر آن رفتار با تعهدات بین‌المللی مطابقت نداشته باشد، دو یا چند دولت، همزمان مرتکب اعمال متخلفانه بین‌المللی جداگانه، هرچند یکسان شده‌اند.

در قضیه «بانکوویچ علیه بلژیک» (۲۰۰۱)،^{۱۴} دیوان به‌طور قاطعی اذعان داشت که صلاحیت طبق ماده ۱ کنوانسیون اساساً «سرزمینی» (Territorial jurisdiction) است.^{۱۵} این پرونده مربوط به بمباران ناتو در ایستگاه رادیویی تلویزیونی در بلگراد در جریان درگیری‌های کوزوو بود. خواهان‌ها نزد دیوان استدلال کردند بمباران که توسط کشورهای عضو ناتو انجام شد در صلاحیت آن کشورهایی که عضو کنوانسیون هستند قرار داشت.^{۱۶} با این حال، دیوان این استدلال را رد و تأکید کرد که کنوانسیون در «فضای حقوقی» (espace juridique) کشورهای متعاقد قابل اعمال است و اعمال فراسرزمینی آن فقط به‌صورت استثنایی بر محدوده ماده ۱ می‌تواند مطرح شود. دیوان اظهار داشت:

«کنوانسیون یک معاهده چندجانبه است که به شمول ماده ۵۶ آن، اساساً در یک زمینه منطقه‌ای و به‌ویژه در «فضای حقوقی» کشورهای متعاقد قابل اعمال است. این کنوانسیون به گونه‌ای طراحی نشده است که در سراسر جهان حتی در مورد رفتار دولت‌های متعاقد اعمال شود».^{۱۷}

این حکم بر تقدم صلاحیت سرزمینی تأکید کرد، اما پرونده امکان اعمال صلاحیت فراسرزمینی را در موارد استثنایی باز گذاشت. استدلال دیوان در قضیه «بانکوویچ» به دلیل رویکرد محدودکننده آن مورد انتقاد است؛ به‌ویژه در پرتو موارد بعدی که دیوان تفسیر انعطاف‌پذیرتری از صلاحیت اتخاذ کرده است. در این مورد همانطور که قبلاً ذکر شد، می‌توان به پرونده‌های «السکینی» و «هیرسی جاما» اشاره کرد.

یکی از خصوصیات این نوع رویکرد دیوان به موضوع تعهدات فراسرزمینی، همانطور که در اظهارات برخی از قضات دیوان نیز مشاهده می‌شود، عدم انسجام و یکپارچگی آن و عدم تشریح مبانی نظری آن است. بیشتر دیوان در به کار بردن اصطلاح صلاحیت در معنای رایج آن

14. Banković v. Belgium (2001).

15. Banković and Others v. Belgium and 16 Other Contracting States, para. 59.

16. Banković and Others v. Belgium, para. 59.

17. Banković and Others v. Belgium and Others, para. 80.

در حقوق بین‌الملل و عملکرد خودش براساس کنوانسیون دچار سردرگمی می‌شود.^{۱۸} «دیوان در تصمیم خود در قضیه جنتیلهوم (Gentilhomme) به شدت بر این معنای معمول صلاحیت در حقوق بین‌الملل عمومی استناد کرد.^{۱۹} دیوان ضمن اشاره به این اصل که یک دولت نمی‌تواند صلاحیت خود را در قلمرو دولت دیگر بدون رضایت آن دولت اجرا کند، خاطر نشان کرد که امتناع فرانسه از ثبت نام کودکان با تابعیت الجزایری در دولت فرانسه به منزله اجرای تصمیمی است که به الجزایر نسبت داده می‌شود و توسط حاکمیت در قلمرو خود اتخاذ شده است و بنابراین نمی‌توان گفت که فرزندان در صلاحیت فرانسه قرار دارند. استدلال دیوان می‌تواند به این معنا باشد که اگر تضمین حقوق بشر با حاکمیت دولت دیگری در تعارض باشد، مفهوم صلاحیت، مانع از اجرای کنوانسیون می‌شود».^{۲۰}

مثال دیگر در پرونده «السعدون و مفضی علیه بریتانیا» (۲۰۱۶)^{۲۱} در مورد قانونی بودن انتقال پیشنهادی دو شهروند عراقی که در بازداشت بریتانیا در عراق به سر می‌بردند به مقامات عراقی، دیوان استدلال دولت بریتانیا را در خصوص اینکه زندانیان به دلیل تعهد دوجانبه برای تحویل مظنونان به عراق (و نیز ناشی از تکلیف بریتانیا در احترام به حاکمیت عراق) خارج از صلاحیت آن به معنای ماده ۱ کنوانسیون قرار گرفته‌اند، رد کرد و در عوض اذعان داشت که «با توجه به کنترل کامل و انحصاری عملی و متعاقباً حقوقی (The total and exclusive de facto, and subsequently also de jure, control) اعمال شده توسط مقامات بریتانیایی بر اماکن مورد نظر، افراد بازداشت‌شده در آنجا از جمله خواهان‌های پرونده در

18. Rick A Lawson, "Life After Bankovic: On the Extraterritorial Application of the European Convention on Human Rights", In *Extraterritorial Application of Human Rights Treaties*, edited by Fons Coomans and Menno T. Kamminga (Antwerp: Intersentia, 2004), 83-123; Alexander Orakhelashvili, "Restrictive Interpretation of Human Rights Treaties in the Recent Jurisprudence of the European Court of Human Rights," *European Journal of International Law* 14, no. 4 (2003): 529-568; Marko Milanovic, "From Compromise to Principle: Clarifying the Concept of State Jurisdiction in Human Rights Treaties," *Human Rights Law Review* 8, no. 3 (2008): 411-435; Al-Skeini and Others v. United Kingdom, Concurring Opinion of Judge Bonello, paras. 4-7; and European Court of Human Rights, Ilascu and Others v. Moldova and Russia, Application no. 48787/99, Judgment, 8 July 2004, Partly Dissenting Opinion of Judge Loucaides, paras. 1-10.

19. Gentilhomme and Others v. France, Application Nos. 48205/99, 48207/99, and 48209/99, European Court of Human Rights, Judgment, 14 May 2002, para. 20.

20. ACIL, SHARES Research Paper 06 (2012).

21. Al-Saadoon and Mufdhi v. Secretary of State for Defence (2016).

رابطه مسئولیت مشترک و صلاحیت در رویه دیوان ... / مختاری و ستایش پور ۱۵۵

صلاحیت قضایی بریتانیا بودند».^{۲۲} این رویکرد- این مسئله که صلاحیت بین‌المللی یک دولت متعاقد را نباید با محدوده تعهدات دولت تحت کنوانسیون درهم آمیخت- در پرونده‌های دیگر نیز حمایت می‌شود که مثال روشن آن، پرونده «بانکوویچ» است.^{۲۳}

برای درک مفهوم «ارتباط واقعی» (Factual connection) بین فرد و دولت که ناسازگاری‌هایی در آن به چشم می‌خورد به نظر می‌رسد که موضوع اصلی در اینجا است که آیا صرفاً هر اقدام دولت که بر فردی در برخورداری از حقوق کنوانسیون در خارج از قلمرو خود تأثیر می‌گذارد، آن شخص را تحت صلاحیت خود ذیل ماده ۱ کنوانسیون قرار می‌دهد یا خیر یا اینکه «ارتباط قضایی» (Jurisdictional link) بین دولت و فرد باید آستانه خاصی را برآورده کند که اغلب از طریق معیار «کنترل مؤثر» عملیاتی می‌شود.

اکنون مناسب است تا نگاهی به رویه دیوان در پرونده‌های گوناگون بیندازیم و معیار مورد نظر دیوان برای فرارفتن از محدوده صلاحیت سرزمینی به منظور نیل به هدف و موضوع کنوانسیون یعنی اجرا و تضمین حق‌های بشری را مورد مذاقه قرار دهیم.

۳. توسعه صلاحیت؛ کنترل و اقتدار مؤثر

از شاخه‌های مسئولیت مشترک یعنی مفهوم «مسئولیت اشتقاقی» (Derivative responsibility) در نظام بین‌المللی حقوق بشر به پاسخگویی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط بازیگران غیردولتی یا در سرزمین‌های تحت کنترل مؤثر آنها اشاره دارد، حتی اگر دولت مستقیماً مسئول نقض تعهد نباشد.^{۲۴} دیوان اروپایی حقوق بشر، نقشی تعیین‌کننده در توسعه این مفهوم به‌ویژه از طریق تفسیری که از «صلاحیت تحت ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» دارد ایفا کرده است. ماده ۱ کنوانسیون، کشورها را موظف می‌کند که حقوق و آزادی‌های تعریف‌شده در کنوانسیون را برای هرکسی که در «صلاحیت» آنها قرار دارد تضمین کنند. دیوان صلاحیت را نه تنها به معنای سرزمینی، بلکه بر حسب «کنترل مؤثر» دولت مورد نظر بر افراد یا قلمروهای سرزمینی، حتی فراتر از مرزهای یک دولت، تفسیر کرده است. این تفسیر گسترده در توسعه مسئولیت مشترک به‌ویژه مسئولیت اشتقاقی نقشی محوری ایفا کرده

22. European Court of Human Rights. *Al-Saadoon and Mufdhi v. United Kingdom*, Application no. 61498/08, Judgment, 2 March 2016, para. 88.

23. *Banković and Others v. Belgium and Others*, para. 59.

24. International Law Commission, *Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, 2001, Article 8.

است. برای مثال زمانی می‌توان سخن از مسئولیت بین‌المللی ناشی از هدایت و کنترل یک دولت بر دولت دیگر (از اقسام مسئولیت اشتقاقی است) در نقض حق بشری فرد یا افرادی به میان آورد که فعل متخلفانه واقعاً در هدایت و کنترل آن دولت روی داده باشد.^{۲۵}

اصل «کنترل مؤثر بر سرزمین» (The principle of "effective control" over territory) سنگ بنای رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد مسئولیت دولت تحت «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» (European Convention on Human Rights) است. این اصل تصریح می‌کند که صلاحیت یک دولت بر اساس ماده ۱ کنوانسیون به سرزمین‌هایی که دولت در آنها «کنترل عملی» (De facto control) را اعمال می‌کند، تسری می‌یابد؛ حتی اگر آن قلمرو به‌طور رسمی بخشی از قلمرو سرزمینی آن دولت نباشد. این اصل تضمین می‌کند که دولت‌ها نمی‌توانند با ادعای عدم حاکمیت رسمی بر سرزمینی از پذیرش مسئولیت نقض حقوق بشر بگریزند. این مفهوم در مسئول دانستن دولت‌ها برای نقض حقوق بشر که در چنین سرزمین‌هایی رخ می‌دهد، از جمله نقض‌های ارتکاب‌یافته توسط بازیگران غیردولتی، بسیار مهم است. قضیه قابل‌اعتنا و برجسته «لوئیزیدو علیه ترکیه» (۱۹۹۶)^{۲۶} در توسعه این اصل نقش اساسی دارد.^{۲۷}

دیوان به وضعیت قبرس شمالی در قضیه «لوئیزیدو»، که تحت کنترل عملی نیروهای ترکیه پس از تهاجم سال ۱۹۷۴ بود، پرداخته است. خواهان که فردی یونانی-قبرسی بود، ادعا می‌کرد که از دسترسی به اموال خود در قبرس شمالی محروم شده است که نقض ماده ۸ کنوانسیون (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی) و ماده ۱ پروتکل شماره ۱ (حفاظت از دارایی) است. دیوان حکم داد که ترکیه کنترل مؤثری بر قبرس شمالی اعمال می‌کند و بنابراین مسئول تأمین حقوق کنوانسیون در این منطقه است. بنا به گفته دیوان:

«لازم نیست مشخص شود که آیا ترکیه واقعاً کنترل دقیقی بر سیاست‌ها و اقدامات مقامات «جمهوری ترک قبرس شمالی» اعمال می‌کند یا خیر. از تعداد زیاد نیروهای نظامی که در شمال قبرس مشغول به فعالیت هستند، آشکار است که ارتش ترکیه کنترل کلی مؤثری بر آن بخش از جزیره اعمال می‌کند. چنین کنترلی مستلزم مسئولیت وی در قبال سیاست‌ها و

۲۵. احمد مؤمنی‌راد و محمد ستایش‌پور، «دامنه مفهومی مسئولیت اشتقاقی سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۴۹، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۸): ۶۴۲.

26. Loizidou v. Turkey (1996).

27. European Court of Human Rights, Loizidou v. Turkey, Application No. 15318/89, Judgment (Merits and Just Satisfaction), 18 December 1996, para. 52.

رابطه مسئولیت مشترک و صلاحیت در رویه دیوان ... / مختاری و ستایش پور ۱۵۷

اقدامات «جمهوری ترک قبرس شمالی» است.^{۲۸}

این حکم نشان داده است که صلاحیت یک دولت براساس ماده ۱ کنوانسیون شامل مناطق تحت «کنترل مؤثر» آن است، حتی اگر این کنترل از طریق حضور نظامی یا حمایت از مقامات محلی اعمال شود. دیوان همواره بر این تأکید می‌کند که دولت‌ها باید اقداماتی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر در چنین سرزمین‌هایی از جمله نقض‌هایی که توسط بازیگران غیردولتی صورت می‌گیرد، اجرا کند.

اصل کنترل مؤثر بر سرزمین در پرونده‌های بعدی دیوان، مجدداً تأیید شده و گسترش یافته است. برای نمونه دیوان در قضیه «قبرس علیه ترکیه» (۲۰۰۱)،^{۲۹} ترکیه را مسئول نقض حقوق بشر در قبرس شمالی از جمله جابه‌جایی یونانیان قبرس و انکار حقوق مالکیت آنها دانست. دیوان مجدداً تأکید کرد که حضور نظامی و کنترل ترکیه بر این منطقه، صلاحیت آن را براساس ماده ۱ کنوانسیون حقوق بشر اروپا تعیین کرده است:

«با داشتن «کنترل کلی مؤثر» (Effective overall control) بر شمال قبرس، مسئولیت ترکیه نمی‌تواند محدود به اقدامات عوامل خود در این منطقه باشد، بلکه باید به اقدامات رژیم اداره محلی که به واسطه حمایت نظامی ترکیه و سایر پشتیبانی‌ها ادامه می‌یابد، گسترش یابد».^{۳۰}

همینطور دیوان در پرونده «السکینی»، اصل کنترل مؤثر را در موقعیت‌های فراسرزمینی به کار برد و بر این باور بود که بریتانیا بر همه افرادی که توسط سربازان انگلیسی در عراق کشته می‌شوند، صلاحیت خود را اعمال می‌کند. دیوان خاطر نشان کرده است که صلاحیت طبق ماده ۱ کنوانسیون می‌تواند از اعمال «اقتدار و کنترل» (Control and authority) بر افراد یا سرزمین‌های خارج از مرزهای رسمی یک دولت ناشی شود:

«صلاحیت یک دولت براساس ماده ۱ ممکن است به اعمال مقامات آن دولت که اثراتی در خارج از قلمرو خود ایجاد می‌کند، گسترش یابد به‌ویژه زمانی که دولت کنترل مؤثری بر منطقه مورد نظر اعمال می‌کند».^{۳۱}

28. Loizidou v. Turkey, para. 56.

29. Cyprus v. Turkey (2001).

30. Cyprus v. Turkey, Application No. 25781/94, European Court of Human Rights, Grand Chamber Judgment, 10 May 2001, para. 77.

31. Al-Skeini and Others v. United Kingdom, para. 136.

و در جای دیگری اشاره می‌کند:

«از آنجایی که بریتانیا در دوره مورد بحث از اختیارات عمومی در بصره استفاده می‌کرد، افرادی که در جریان عملیات امنیتی کشته شدند از نظر ماده ۱ کنوانسیون در صلاحیت بریتانیا بودند».^{۳۲}

اصل مذکور در قضایایی مانند «جلود علیه هلند» (۲۰۱۴)،^{۳۳} تقویت شده است؛ جایی که دیوان تشخیص داد که هلند صلاحیت خود را بر ایست بازرسی‌ای در عراق اعمال می‌کند، حتی اگر بخشی از نیروی چندملیتی باشد:

«هلند از صلاحیت خود را در مفهوم ماده ۱ کنوانسیون به دلیل وجود این واقعیت که در دوره مربوطه از اختیارات عمومی استفاده می‌کرده است، اعمال نمود».^{۳۴}

دیوان در قضیه «ایلاسکو و دیگران علیه مولداوی و روسیه» (۲۰۰۴)،^{۳۵} این اصل را به کار گرفت تا هم مولداوی و هم روسیه را مسئول نقض حقوق بشر توسط رژیم جمهوری ترانس‌نیستریا (Transnistrian regime) بداند. دیوان به این نتیجه رسید که روسیه از طریق حمایت نظامی و سیاسی خود، کنترل مؤثری بر منطقه مورد نظر داشته است؛ در حالی که مولداوی مسئول عدم اتخاذ تدابیری در محدوده اختیارات خود برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها است:

«صلاحیت یک دولت براساس ماده ۱ شامل تعهد به اتخاذ تدابیری در محدوده اختیارات خود برای جلوگیری از نقض حقوق بشر است، حتی اگر این نقض‌ها توسط بازیگران غیردولتی انجام شود».

رویه قضایی دیوان در مورد رعایت اصل کنترل مؤثر بر سرزمین، اساساً به درک مسئولیت دولت تحت مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، شکل تازه‌ای داده است. دیوان با گسترده دانستن صلاحیت نسبت به سرزمین‌های تحت کنترل بالفعل یک دولت، تضمین کرده است که دولت‌ها نمی‌توانند از تعهدات خود تحت کنوانسیون، حتی در موقعیت‌هایی که شامل بازیگران غیردولتی یا مناطق مورد مناقشه است، فرار کنند.

32. Al-Skeini and Others v. United Kingdom, para. 149.

33. Jaloud v. the Netherlands (2014).

34. European Court of Human Rights. Jaloud v. the Netherlands, Application No. 47708/08, Judgment of November 20, 2014. HUDOC, para. 152, <https://hudoc.echr.coe.int/>.

35. Ilascu and Others v. Moldova and Russia (2004).

«استاندارد (کنترل مؤثر)» یا «پیوند صلاحیتی بیشتر» (Further jurisdictional link) برای تعیین مسئولیت دولت در مواردی که چندین دولت درگیر در تخلف وجود دارد، بدون مشکل نیست. این امر به ویژه در شرایطی که دولت‌ها در غیاب ارتباط مستقیم با زیان دیده نهایی در به وجود آمدن آسیب مشارکت دارند، صادق است. برخی مفاهیمی که در حقوق مسئولیت دولت تثبیت شده است، مثلاً پرونده‌هایی که در آن مسئولیت ناشی از دخالت یک دولت در عمل انجام شده توسط یک دولت دیگر، از جمله از طریق اجبار، مساعدت، معاونت و هدایت و کنترل به چشم می‌خورد، دقیقاً به مواردی می‌پردازد که ارتباطی میان یکی از دولت‌های متخلف و آسیب مورد نظر (به تعبیر حقوق بشری، زیان دیده یا قربانی) با ماهیتی واسطه‌ای (Intermediary nature) وجود دارد. از این رو، پیروی دقیق و سختگیرانه از مفهوم صلاحیت به طوری که در همه زمان‌ها مستلزم اعمال کنترل مؤثر بر فردی یا سرزمینی باشد، ممکن است مانع از عملیاتی شدن این مفاهیم مربوط به مسئولیت دولت شود.^{۳۶} اکنون باید دید دیوان چگونه معیار کنترل مؤثر را در مواردی که موضوع مسئولیت مشترک یعنی دخالت دولت‌های دیگر (حتی غیرعضو کنوانسیون) مطرح است به کار بسته است.

۴. کنترل مؤثر بر افراد در پرونده‌هایی با مسئولیت مشترک

این مفهوم به طور قابل توجهی در پرونده «السکینی» گسترش یافت؛ جایی که دیوان توضیح داد صلاحیت یک دولت، زمانی می‌تواند به طور فراسرزمینی گسترش یابد که «اقتدار و کنترل» لازم را بر افراد، حتی خارج از قلمرو خود اعمال کند. این اصل به ویژه با زمینه‌هایی مانند عملیات نظامی، که در آن عوامل یک دولت ممکن است بر افراد در سرزمین‌های خارجی اعمال نفوذ کند یا کنترل قابل توجهی داشته باشند، مرتبط است.

دیوان در «السکینی» با این سؤال مواجه بود که آیا بریتانیا بر اساس ماده ۱ کنوانسیون در خصوص افرادی که توسط نیروهای انگلیسی در جریان اشغال عراق کشته شده‌اند صلاحیت دارد یا خیر. در نهایت، دیوان اعلام کرده است که صلاحیت بریتانیا شامل این افراد می‌شود؛ زیرا نیروهای بریتانیا «اقتدار و کنترل» لازم را بر آنها اعمال می‌کنند. دیوان تأکید کرده است که صلاحیتش طبق ماده ۱ تنها سرزمینی نیست، بلکه می‌تواند از اعمال «کنترل مؤثر» بر افراد در شرایط خاص ناشی شود. این تفسیر با این اصل گسترده‌تر همسو می‌شود که دولت‌ها تعهداتی برای حمایت از حقوق بشر در هر جایی که اعمال کنترل می‌کنند، اعم از سرزمینی یا

36. ACIL, SHARES Research Paper 06 (2012).

فراسرزمینی، دارند.

دیوان اظهار داشته است که:

«صلاحیت یک دولت براساس ماده ۱ ممکن است به اعمال مقامات آنکه اثراتی در خارج از قلمرو سرزمینی خود ایجاد می‌کند، گسترش یابد به‌ویژه زمانی که دولت کنترل مؤثری بر منطقه مورد نظر اعمال می‌نماید».^{۳۷}

این حکم مبتنی بر رویه قضایی قبلی است؛ مانند «لوئیزیدو» که در آن دیوان تعیین کرد که صلاحیت یک دولت می‌تواند به مناطق خارج از قلمرو ملی خود گسترش یابد؛ در صورتی که «کنترل کلی مؤثر» را بر آن منطقه داشته باشد. با این حال، پرونده «السکینی» این اصل را با تمرکز بر کنترل «افراد» و نه فقط قلمرو سرزمینی، گسترش داد. این تغییر، منعکس‌کننده تشخیص دیوان بر این مبنا است که تعهدات حقوق بشری، محدود به مرزهای سرزمینی نیست، بلکه هر جا که یک دولت بر افراد اقتدار یا کنترل داشته باشد، ایجاد می‌شود.

مفهوم کنترل مؤثر بر افراد، تحولی مهم در رویه قضایی دیوان است، زیرا بر کاربرد فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری تأکید می‌کند. این اصل به‌ویژه در موارد مربوط به عملیات نظامی، بازداشت یا سایر موقعیت‌هایی که مأموران دولتی بر افراد خارج از کشور اقتدار مستقیم دارند، مرتبط است. استدلال دیوان در «السکینی» با تصمیمات قبلی آن، مانند قضیه «ایلاسکو» مطابقت دارد؛ جایی که دیوان بر این باور بود دولت‌ها باید اقداماتی را در حدود اختیارات خود برای جلوگیری از نقض حقوق بشر اتخاذ کنند؛ حتی زمانی که چنین نقض‌هایی توسط بازیگران غیردولتی انجام می‌شود.^{۳۸}

همچنین حکم پرونده «السکینی» نشان‌دهنده تعهد دیوان به تضمین این مطلب است که دولت‌ها نمی‌توانند با اقدام خارج از مرزهای سرزمینی خود از تعهدات حقوق بشری خود فرار کنند. این رویکرد مبتنی بر هدف و موضوع کنوانسیون است که حمایت عملی و مؤثر از حقوق بشر می‌باشد. دیوان با گسترش صلاحیت به موقعیت‌هایی که دولت‌ها بر افراد کنترل دارند، تضمین می‌کند که در موقعیت‌هایی که دولت‌ها نفوذ یا اقتدار قابل توجهی دارند، افراد

37. Al-Skeini and Others v. United Kingdom, para. 136.

38. European Court of Human Rights. Case of Ilascu and Others v. Moldova and Russia, Application no. 48787/99, Judgment, July 8, 2004 (Strasbourg: European Court of Human Rights, 2004), Paragraph 331, page 73.

بدون توسل به حمایت‌های حقوق بشری به حال خود رها نمی‌شوند.^{۳۹}

روشی که دیوان در آن به دکترین خود در مورد صلاحیت و فعالیت‌های فراسرزمینی شکل می‌دهد، برای مسائل مربوط به مسئولیت مشترک اهمیت حیاتی دارد. تا به اکنون به نقل از قاضی بونلو (Judge Giovanni Bonello)، به‌مثابه رأی موافق در قضیه السکینی، «رویه‌های قضایی دیوان در مورد ماده ۱ کنوانسیون به دلیل ناتوانی یا عدم تمایل به ایجاد نظامی منسجم، بدیهی و مبتنی بر اصول اساسی و کاربرد منصفانه آن در طیف گسترده‌ای از مناقشات قضایی، مغشوش شده است».^{۴۰} بونلو رویکردی را ارائه می‌دهد که براساس آن، صلاحیت نه امری سرزمینی است و نه فراسرزمینی؛ بلکه بی‌کم‌وکاستی به معنای «اعمال اقتدار بر چیزی» (Authority over) یا «کنترل آن» (Control of) است. او در ادامه می‌افزاید صلاحیت بر این اساس ناشی از «حقیقت به عهده گرفتن آن تعهدات و توانایی اجرا (عدم اجرای آنهاست)».^{۴۱} این رویکرد، که در واقع از قبل در بخش‌هایی از رویه قضایی دیوان وجود دارد، بسیار بیشتر از آزمون کنترل مؤثر، پذیرای مسائل مربوط به مسئولیت مشترک است. این امر براساس این ایده است که یک دولت باید در تمام فعل‌ها (و ترک فعل‌های خود) به تعهدات حقوق بشری که پایبند دانسته شده است، احترام بگذارد و بنابراین ممکن است در خارج از کشور، کاری را انجام دهد که در داخل به انجام آن مجاز نیست.^{۴۲}

۵. نتیجه

رابطه بین «مسئولیت مشترک» و «صلاحیت» در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، حوزه پیچیده و در حال تحولی را از نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌نمایاند. دیوان اروپایی حقوق بشر، رویکرد متفاوتی را برای رابطه بین مسئولیت مشترک و صلاحیت رسیدگی قضایی ایجاد کرده است و براساس تشخیص این نهاد، دولت‌ها می‌توانند در قبال اقدامات فراسرزمینی خود و نقششان در نقض حقوق بشر پاسخگو باشند. با این حال، رویه قضایی دیوان مشکلات مربوط به انتساب مسئولیت را در موقعیت‌های پیچیده که شامل بازیگران متعدد می‌شود، برجسته می‌کند. این مطالعه به بررسی این موضوع پرداخته است که دیوان

39. Al-Skeini and Others v. the United Kingdom, paras. 130–142.

40. European Court of Human Rights. Al-Skeini and Others v. the United Kingdom, Application No. 55721/07, Judgment, Grand Chamber, 7 July 2011, Concurring Opinion of Judge Bonello, paras. 11–13.

41. Al-Skeini and Others v. the United Kingdom, Judge Bonello, paras. 11–13.

42. Al-Skeini and Others v. the United Kingdom, Judge Bonello, paras. 11–13.

چگونه مشکل‌های مربوط به انتساب مسئولیت به دولت‌ها و سایر بازیگران را در پرونده‌های مربوط به اقدامات فراسرزمینی، همپوشانی صلاحیت‌ها و دخالت بازیگران غیردولتی، بررسی می‌کند.

اگرچه امکان طرح دعوا علیه چند دولت متعاقد در کنوانسیون پیش‌بینی نشده است، اما به سبب علنی بودن رسیدگی‌ها دیوان اروپایی حقوق بشر از برخی جنبه‌ها نسبت به سایر محاکم و دادگاه‌های بین‌المللی در قضایایی که شامل چندین کشور می‌شود برای تصمیم‌گیری در وضعیت بهتری قرار دارد که این امر از صلاحیت اجباری دیوان در پرونده‌های بین‌دولتی و دادخواست‌های فردی ناشی می‌شود. آیین دادرسی دیوان به‌صراحت امکان بررسی همزمان و به‌هم‌پیوسته دادخواست‌ها را به‌خصوص زمانی که شامل کشورهای مختلف خواننده، شود فراهم می‌کند. برای مثال در وضعیت‌هایی که دادخواست‌ها مربوط به شرایط واقعی و عینی یکسان است. بنا بر ماهیت صلاحیت دیوان، این امکان وجود دارد که از تداخل دادخواست‌هایی که شامل چندین دولت متخلف است با استفاده از «قاعده اطراف اصلی دعوا»، آنطور که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تدوین شده است، جلوگیری شود. با توجه به این قاعده، دیوان بین‌المللی دادگستری، اعمال صلاحیت را زمانی غیرممکن می‌داند که موضوع اصلی، نیازمند تعیین موقعیت حقوقی دولتی باشد که طرف رسیدگی‌ها نیست.

دیوان از طریق پرونده‌های شاخصی مانند «السکینی»، «لوئیزیادو» و «قبرس علیه ترکیه»، چهارچوب ظرفیتی را برای تعیین صلاحیت بر اساس «ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» تعیین کرده است که بر کنترل مؤثر در قلمرو سرزمینی یا کنترل فردی تأکید می‌کند. دیوان پیوسته بر این باور است که دولت‌ها تعهدات مثبتی برای جلوگیری و رسیدگی به نقض حقوق بشر دارند؛ حتی زمانی که چنین نقض‌هایی توسط بازیگران غیردولتی انجام می‌شود یا در سرزمین‌هایی خارج از کنترل مستقیم آنها رخ می‌دهد. مواردی مانند قضایای «اونریلدین» و «ایلاسکو» نشان‌دهنده به رسمیت شناختن وظایف دولت‌ها از سوی دیوان برای اتخاذ تدابیر معقول برای حمایت از افراد در محدوده صلاحیت خود است؛ صرف‌نظر از اینکه این تخلفات توسط بازیگران دولتی یا غیردولتی انجام شده باشد که در بیشتر موارد مربوط به مسئولیت مشترک و انواع آن نظیر مسئولیت اشتقاقی یا همزمان است. اصل «کنترل مؤثر» در رویه قضایی دیوان به‌ویژه در مواردی که شامل اشغال نظامی، مأموریت‌های حافظ صلح و اقدامات فراسرزمینی می‌شود، موضوعی محوری بوده است.

تأکید دیوان بر این است که دولت‌ها باید در هر جایی که اختیار یا کنترل دارند از حقوق

بشر حمایت کنند، همانطور که در پرونده‌های فوق‌الذکر مشاهده شد. این احکام بر تعهد دیوان برای اطمینان از اینکه کشورها نمی‌توانند با اقدام خارج از مرزهای سرزمینی خود از تعهدات حقوق بشری خود طفره برونند، صحنه می‌گذارد. با این حال، همانطور که قاضی بونلو در نظر موافق خود در «السکینی» اشاره کرده است به نظر می‌رسد رویکرد دیوان به صلاحیت، پراکنده و فاقد مبنای نظری منسجم است. تنش بین کاربرد سرزمینی و فراسرزمینی کنوانسیون و همچنین مشکلات نسبت دادن مسئولیت در زمینه‌های مشترک یا دارای همپوشانی، همچنان مشکلات حقوقی و عملی قابل توجهی را ایجاد می‌کند.

اتکای دیوان بر اصل «کنترل مؤثر» به دلیل ناهماهنگی آن و عدم رسیدگی به پیچیدگی‌های حکمرانی مدرن، که در آن چندین بازیگر ممکن است در مسئولیت نقض حقوق بشر، سهیم باشند، مورد انتقاد قرار گرفته است.

با این حال، رویکردهای دیوان در این موضوع همچنان در حال تحول است و برای پرداختن به پیچیدگی‌های مسئولیت مشترک در دنیایی که به‌طور فزاینده‌ای به هم پیوسته است به شفاف‌سازی بیشتر نیاز دارد. بنابراین می‌توان گفت همانطور که ماهیت همکاری‌های بین‌المللی نزد تابعان فعال حقوق بین‌الملل به‌ویژه دولت‌ها تکامل می‌یابد، دیوان همچنان نقش مهمی در پیشرفت و آشکارسازی این اصول ایفا خواهد کرد. از آنجایی که دیوان همچنان با مشکلات جدید مانند نقش بازیگران خصوصی در نقض حقوق بشر و تأثیر نظارت دیجیتالی دست و پنجه نرم می‌کند، رویه قضایی آن نقطه مرجع حیاتی برای محققان، اندیشمندان و سیاست‌گذارانی خواهد بود که به دنبال تقویت جهانی‌شدن حمایت‌های حقوق بشری هستند.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

ستایش‌پور، محمد، و مهدی حدادی. «کنکاش در لزوم وجود نهاد «مسئولیت اشتقاقی» در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران ۴۷، شماره ۳ (۱۳۹۶): ۷۷۱-۷۹۵

<https://doi.org/10.22059/jplsq.2017.225499.1449>

مؤمنی‌راد، احمد، و محمد ستایش‌پور. «دامنه مفهومی مسئولیت اشتقاقی سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران ۴۹ شماره ۳ (۱۳۹۸): ۶۳۵-۶۵۵

<https://doi.org/10.22059/jplsq.2018.242627.1589>

ب- منابع لاتین:

Al-Skeini and Others v. United Kingdom. Application No. 55721/07. European Court of Human Rights. Judgment of 7 July 2011.

Amsterdam Center for International Law (ACIL). SHARES Research Paper 06 (2012), ACIL 2012-04 (Amsterdam: SHARES Project, last modified March 16, 2025) <http://www.sharesproject.nl/publication/shared-responsibility-in-international-law-a-concept-paper>.

Banković v. Belgium and Others. Application No. 52207/99. European Court of Human Rights. Grand Chamber Decision on Admissibility (12 December 2001).

Budayeva v. Russia. Application No. 15339/02. European Court of Human Rights. Reports of Judgments and Decisions 2008-(2).

Çalı, Basak. "Coping with Crisis: Whither the Variable Geometry in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights." *Wisconsin International Law Journal* 25, No. 3 (2007): 571-603.

Chimni, B. S. "The Articles on State Responsibility and the Guiding Principles of Shared Responsibility: A TWAİL Perspective." *The European Journal of International Law* 31, No. 4 (2021): 1212-1221.

Cyprus v. Turkey. Application No. 25781/94. European Court of Human Rights. Grand Chamber Judgment (10 May 2001).

East Timor (Portugal v. Australia). Merits, [1995] ICJ Rep 90.

European Court of Human Rights. Case of Ilascu and Others v. Moldova and Russia.

رابطه مسئولیت مشترک و صلاحیت در رویه دیوان ... / مختاری و ستایش پور ۱۶۵

Application No. 48787/99. Judgment, 8 July 2004 (Strasbourg: European Court of Human Rights, 2004).

European Court of Human Rights. Drozd and Janousek v. France and Spain. Application No. 12747/87. Judgment of 26 June 1992.

European Court of Human Rights. Hassan v. the United Kingdom. Application No. 29750/09. Judgment of 16 September 2014. HUDOC. <https://hudoc.echr.coe.int>.

European Court of Human Rights. Hirsi Jamaa and Others v. Italy. Application No. 27765/09. Judgment of 23 February 2012.

European Court of Human Rights. Jaloud v. the Netherlands. Application No. 47708/08. Judgment of 20 November 2014. HUDOC. <https://hudoc.echr.coe.int>.

European Court of Human Rights. Rules of Court. Rule 42 § 1 and 2; Rule 47 § 1(c). [latest edition] (Strasbourg: Council of Europe), Accessed 28 March 2024. <https://www.echr.coe.int>.

Gentilhomme and Others v. France, Application Nos. 48205/99, 48207/99, and 48209/99. European Court of Human Rights. Judgment of 14 May 2002.

Kılıç v. Turkey, Application No. 22492/93. European Court of Human Rights. Reports of Judgments and Decisions 2000-(3).

Loizidou v. Turkey, Application No. 15318/89. European Court of Human Rights. Grand Chamber Judgment (18 December 1996).

Monetary Gold Removed from Rome in 1943 (Italy v. France, United Kingdom, and United States). Preliminary Question, [1954] ICJ Rep 19.

Nollkaemper, André. "Issues of Shared Responsibility before the International Court of Justice." *ACIL Research Paper* No. 2011-01 (SHARES Series finalized 8 April 2011).

Öneryıldız v. Turkey. Application No. 48939/99. European Court of Human Rights. Grand Chamber Judgment (30 November 2004).

Osman v. the United Kingdom. Application No. 23452/94. Eur. Ct. H.R. Reports of Judgments and Decisions 1998-(8).

